

سیری در نظریات فقهی ابن رشد و بررسی کتاب بدایه المجتهد و نهایه المقتصد

دکتر مریم آقایی بجستانی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سمنان

◆ چکیده:

ابوالولید محمد بن احمد بن رشد فقهی برجسته در زمینه تطبیق مذاهب است وی بانگارش کتاب «بدایه المجتهد و نهایه المقتصد» که یکی از منابع مستقل و ارزنده در زمینه فقه تطبیقی مذاهب اهل سنت است، توانست دیدگاههای منحصر به فرد خود را نمایان سازد و به عنوان یک فقیه نواندیش و آزاد از قید و بند تعصبات مذهبی مورد تحسین قرار گیرد کتاب فقهی او را می توان گامی در جهت تکامل حقوق اسلامی به شمار آورد.

کلیدواژه‌ها: ابن رشد، فقه تطبیقی، مذاهب فقهی، بدایه المجتهد و نهایه المقتصد.

مقدمه

ابوالولید محمد بن احمد بن محمد رشد مشهور به حفید که در نزد غربیان با نام افروس (Averroes) شناخته شده است؛ فیلسوف، شارح و مفسر آثار ارسطو، فقیه و پزشک بر جسته غرب اسلامی یعنی اندلس می‌باشد. وی در سال ۵۲۰ ق/ ۱۱۲۶ م در شهر قرطبه در اندلس زاده شد. پدر و پدر بزرگش هر دو از فقیهان و عالمان نامدار و بلند پایه زمان خود بوده‌اند. پدر بزرگش محمد بن احمد بن رشد (۴۵۰ - ۵۲۰ ق) قاضی القضاة و امام مسجد جامع شهر قرطبه و دارای تالیفات مهمی در فقه مالکی بوده است. پدرش احمد بن محمد بن احمد نیز فقیه و قاضی بوده است. (ر.ک: دایره المعارف الاسلامیه، ۱۶۶/۱؛ زرکلی، الاعلام، ۲۱۲/۶)

ابن رشد نخست نزد پدرش فقه آموخت و کتاب موطأ را به حافظه سپرد همچنین اندکی فقه نزد ابوالقاسم بن بشکوال و سپس نزد ابومحمد بن رزق و ادبیات عرب را نزد سمحون آموخت. پزشکی را نیز نزد ابومروان بن جریرول بلنسی و ابو جعفر بن هارون التجالی یا الترجالی فرا گرفت. استادان وی در فلسفه شناخته شده نیستند و ما تنها می‌دانیم که طی مدتی که نزد ابوجعفر هارون الترجالی (از شهر ترجاله و (ترخیلو) در اندلس) می‌گذرانده از وی ریاضیات و نیز بسیاری از علوم حکمیه را آموخته است، ابن رشد بر علم کلام و به‌ویژه کلام اشعری تسلط داشت، هر چند بعداً در نوشته هایش از متکلمان انتقاد کرده است. (ر.ک: قمیر، یوحنا فلاسفه العرب ۱/ ۷۷ رینان ارنست، ابن رشد و الرشديه / ۳۳)

دوران اجتماعی ابن رشد

فعالیت‌های اجتماعی و علمی ابن رشد در دوران فرمانروایی موحدون در اندلس جریان داشته است. در این میان سرگذشت وی با توجه به رویدادهای دوران حکومت دو تن از برجسته‌ترین فرمانروایان موحدون یعنی ابو یعقوب یوسف و ابویوسف یعقوب گره خورده بود، هر چند آغاز فعالیت‌های اجتماعی و علمی وی در دوران فرمانروایی بنیانگذار سلسله موحدون عبدالمومن علی (۵۲۴-۵۸۸ ق) بوده است. بنابه برگزارش‌های مورخان عبدالمومن خود مردی دانشمند پرور بوده است و در دوران فرمانروایی اش دانشمندان را از هر سو فرا خوانده و زندگی آسوده‌ای بر ایشان فراهم می‌کرده است. در سال ۵۴۷ ق ابن رشد در مراکش بوده و احتمالاً برای اجرای مقاصد عبدالمومن در بر پا ساختن مدارس در آنجا اشتغال داشته است.

پس از مرگ عبدالمومن (۵۵۸ق) پسرش ابو یعقوب یوسف جانشین وی شد. دوران فرمانروایی او آکنده از حوادث، درگیریها، جنگها، پیروزیها و شکست‌ها بود. حاکمیت موحدون کاملاً استوار شد و اندلس از شکوفایی زندگی اجتماعی و فرهنگی برخوردار گردید. ابو یعقوب مردی دانشمند بوده است به همین دلیل دانشمندان زیادی را می‌بینیم که در اطراف او گرد آمده‌اند. یکی از برجسته‌ترین این دانشمندان، فیلسوف نامدار ابن طفیل بوده است که وزیر و طیب دربار ابو یعقوب گردید و ابن رشد را به ابو یعقوب معرفی کرد. اما ابن رشد مدت زیادی نزد ابو یعقوب نماند زیرا در سال ۵۶۵ ق وی را در منصب قضا در شهر اشبیلیه می‌بایم. در حدود ۵۶۷ ق ابن رشد با همان عنوان قاضی به قرطبه باز گشت. وظایف وی او را وادار می‌کرد بارها به اقطار مختلف امپراتوری موحدون سفر کند.

پس از مرگ ابو یعقوب، پسرش ابو یوسف یعقوب که در آن هنگام ۳۲ ساله بود، جانشین پدر گردید. ابن رشد تقریباً تا اواخر دوران فرمانروایی ابو یوسف از تقرب و احترام وی برخوردار بود اما در اواخر عمر ابو یوسف مغضوب وی شد. در مغضویت ابن رشد علاوه بر علل سیاسی عوامل شخصی هم دخالت داشته‌اند؛ از یک طرف نزدیکی وی به ابو یحیی که مورد غضب ابو یوسف بود و از طرف دیگر رقابتها، حسادتها و توطئه‌های فقیهان قشری و درباریان ابو یوسف در مغضویت ابن رشد نزد وی موثر بود. سرانجام توطئه این بود که ابو یوسف ابن رشد را به «الیسانه» شهرکی در نزدیکی قرطبه که زمانی یهودیان در آن سکنی داشتند تبعید کرد. اما این تبعید دیری نپایید و گفته می‌شود که اعیان اشبیلیه از وی نزد ابو یوسف شفاعت کردند و پس از چندی به مراکش باز گشت. ابن رشد در مراکش بیمار شد و در ۹ صفر ۵۹۵ ق درگذشت. (ر.ک: عقاد، عباس محمود، *نوائج الفكر العربی*، ابن رشد / ۲۶). جسد ابن رشد در نزدیکی مراکش به خاک سپرده شد (ر.ک: *دایره المعارف الاسلامیه*، ۱/ ۱۶۷). و بعد از سه ماه به قرطبه منتقل شد و در قبرستان خانوادگی اش دفن گردید. (ر.ک: قمبر، یوحنا، *فلاسفة العرب*، (ابن رشد) ۱/ ۱۵).

آثار ابن رشد

برخی از آثار ابن رشد به هنگام مغضویت وی در نزد ابو یوسف سوزانده شد و برخی دیگر نیز بعد از مرگش تحریم گردید با این وجود آثار باقیمانده از او به حدی است که بنا به نقل یوحنا قمبر

صاحب کتاب فلاسفه العرب، از ابن عربی وقتی تابوت او را بر قاطر نهادند تالیفات وی برای حفظ تعادل به سوی دیگر قاطر بار گردید.

تالیفات و آثار ابن رشد را می‌توان به سه دسته تقسیم بندی کرد:

الف) تفسیرها یا شرح مفصل که نص اصلی را به طور مستقل ذکر کرده و سپس آن را تفسیر نموده و شرح داده است.

این کتب عبارتند از:

۱- تفسیر ما بعد الطبیعه

۲- شرح کتاب البرهان (تفسیری بر کتاب تحلیل‌های پسین یا دومین، ارسطو)

۳- شرح کتاب النفس (تفسیری بر کتاب درباره روان ارسطو)

۴- شرح السماء والعالم (تفسیری بر کتاب درباره آسمان و جهان)

۵- تلخیص الخطابه

۶- تلخیص کتاب المقولات ارسطو

۷- تلخیص کتاب الجدل ارسطو

۸- تلخیص کتاب القیاس ارسطو

۹- تلخیص کتاب السفسطه ارسطو

۱۰- تلخیص کتاب الاخلاق ارسطو

۱۱- تلخیص کتاب الحس والمحسوس ارسطو.

ب) جوامع: در جوامع نص اصلی را حذف کرده و به بیان موضوع کتاب اکتفا نموده است.

۱۲- جوامع کتب ارسطو طالیس فی الطبیعیات و الالهیات

۱۳- الضروری فی المنطق خلاصه همه نوشته‌های منطقی ارسطو

۱۴- کتاب الحيوان خلاصه کتب ارسطو درباره اعضاء حیوان و درباره پیدایش جانوران

۱۵- جوامع سیاسة افلاطون خلاصه و شرح مختصر کتاب سیاست افلاطون

ج) نوشته‌های مستقل که این نوشته‌ها نیز در زمینه‌های فلسفی، فقهی، کلامی، ادبی، نجومی و

پزشکی است.

نوشته‌های فلسفی ابن رشد:

۱۶ - تهافت التهافت رد بر تهافت الفلاسفة غزالی.

۱۷ - فصل المقال فيما بين الشريعة والحكمة من الاتصال

۱۸ - الكشف عن منا هج الادلة في عقاید الملة

۱۹ - مقالة في اتصال العقل بالانسان

۲۰ - مقالة في جوهر الفلك

۲۱ - كلام على قول ابى نصر (فارابی) في المدخل

۲۲ - مسالة في الزمان

۲۳ - مسالة في الحكمة

۲۴ - مقالة في العقل

۲۵ - مقالة في القياس

۲۶ - مقالة في علم النفس

نوشته‌های کلامی و فقهی ابن رشد:

۲۷ - بداية المجتهد و نهاية المقتصد

۲۸ - اخبار المستصفي (خلاصه مستصفي اثر غزالی در اصول فقه)

۲۹ - الكشف عن منا هج الادلة في عقائد الملة

نوشته‌های نجومی ابن رشد:

۳۰ - ما يحتاج اليه من كتاب اقلیدس في المجسطی

۳۱ - مقالة في حركة الفلك

نوشته‌های ادبی ابن رشد:

۳۲ - الضروری في اللغة

نوشته‌های پزشکی ابن رشد:

۳۳ - تلخیص کتاب الحمیات لجالینوس

۳۴ - تلخیص العلل و الاعراض

۳۵ - رسائل ابن رشد الطیبة

۳۶- شرح ارجوزه ابن سینا فی الطب

۳۷- تلخیص الاعضاء الالمة

۳۸- مقاله فی التریاق

۳۹- کتاب الکلیات

۴۰- مقاله فی المزاج (ر.ک: عبادی، شرح بدایة المجتهد و نهایة المقتصد ۱/ ۵۱؛ یوحنا قمبر، فلاسفه العرب، ابن رشد / ۲۰).

ارزش علمی کتاب بدایه المجتهد و نهایه المقتصد

برخی اصالت آثار فقهی ابن رشد را با در نظر گرفتن این نکته که وی بر خلاف روش معمول خود در آنها به آثار فلسفی ارجاع نمی دهد زیر سوال برده اند و برخی دیگر احتمال داده اند کتاب «بدایة المجتهد و نهایة المقتصد» را عضو دیگری از خانواده بنو رشد نوشته است؛ اما تاریخ ۵۶۴ ق که به طور اتفاقی در کتاب به عنوان تاریخ تألیف آمده است با زمان نویسنده ای که در غرب به نام اوروش شناخته شده است سازگاری دارد. این تاریخ درست پیش از انتصاب وی به سمت قاضی اشبیلیه بود، سمت بسیار مهمی که خیرگی نمایان شده او در آن رساله می تواند توجیه کننده آن باشد.

افزون بر این وجود سدهای نسبتاً رخنه ناپذیر بین حوزه های متفاوت فعالیت یک نویسنده شگفت آور نیست، زیرا فقه در اسلام خود حوزه ای مستقل بود. به علاوه عقل گرایی شکل دهنده پایه کار ابن رشد و موحدان در بدایه قابل تشخیص است. این اثر یک رساله اختلاف است به عبارت دیگر اثری است به قصد تشریح راه حل هایی که مکتب های گوناگون برای هر مورد فقهی پیشنهاد کرده اند، که عبارت بودند از حنفی، مالکی و شافعی که کهنترین مکاتب بودند. افزون بر این ابن رشد تعالیم حنبلی و ظاهری را بررسی کرده و تقریباً در همه موارد عقاید بنیانگذاران مکاتب کوچک اولیه را نقل می کند و بالاخره در موقعیتهای بسیار نادر راه حل های خوارج و شیعه را نیز بیان می کند.

از سوی دیگر چنانچه در دیباچه اثر اظهار می شود کتاب برای منظوری عملی و شخصی نیز نوشته شده است. این واقعیت که در پیشبرد اثر برتری ویژه ای به فقه مالکی نسبت نمی دهد، با نیت او که از آغاز روشن ساخته، وفق دارد. این شیوه، از اشتیاق به وضوح که در رویکرد ابن رشد آشکار است، ناشی می شود؛ رویکردی که به نظرات مختلف فقه اسلامی احترام می گذارد و در عین

حال در ضمن بیان علتها و برهان‌های هر نظریه، گاهی به نقد آن می‌پردازد و اغلب عقیده‌اش را با عباراتی چون روش‌تر یا بهتر است بیان می‌کند.

اهمیت بدایه در آن است که به نظر می‌رسد نماینده پیشرفته‌ترین نمونه موجود از کاربرد روش‌مند اصول فقه در کل مجموعه فقه سنی است. ابن رشد پیشینیان بسیاری دارد که آنان نیز کوشیده‌اند اختلافها را از راه بررسی روشهای استنتاجی توضیح دهند اما ابن رشد تنها کسی بود که به چاله جدل به سود یکی از مکاتب نیفتاد. (ر.ک: اوروی دمینیك، ابن رشد ترجمه فریدون فاطمی / ۸۰)

ابن رشد در فقه بیشتر به «درایت» دلبستگی داشت تا «روایت» و در آن زمینه کتاب «*بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*» را تالیف کرد.

ویژگیهای فقهی ابن رشد

ابن رشد فقهی برجسته و چیره دست در زمینه تطبیق مذاهب است. وی بانگارش کتاب «*بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*» توانست دیدگاههای منحصر به فرد خود را نمایان سازد و به عنوان یک فقیه نواندیش و آزاد از قید و بند تعصبات مذهبی مورد تحسین قرار گیرد. کتاب فقهی او را می‌توان گامی در جهت تکامل حقوق اسلامی به شمار آورد.

مهمترین منبع ارجاع ابن رشد در ترجیح نظرات فقهی، سنت پیامبر است. او با این که خود را ملزم به پیروی از سنت می‌داند، اما از پذیرفتن سنت محتمل امتناع کرده و به سنت معتبر و قطعی استناد می‌نماید. وی با این که مالکی مذهب است اما با گرایش مالکی‌ها به سیره اهل مدینه مخالف است و آن را اجماعی محدود می‌داند که شایسته استناد نیست. او در مقدمه کتاب *بدایه المجتهد* آنجا که به بحث و بررسی طرق استنباط احکام می‌پردازد، در باره اجماع چنین می‌گوید: «وَلَيْسَ الْأَجْمَاعُ أَصْلًا مُسْتَقْلَلًا بِدَائِهِ». (ر.ک: عبادی، شرح *بدایه المجتهد* / ۱۸۱). به نظر ابن رشد اجماع هنگامی معتبر است که با یک نص محکم و خردپذیر تایید شود. او اجتهاد را به عنوان اصلی کارآمد پذیرفته و به ویژه در مسائلی که احاطه بر آن از طریق قاعده‌دشوار است بر آن تاکید می‌نماید.

روش ابن رشد آن است که بعد از ذکر اقوال به بررسی آنها پرداخته و دیدگاه برتر را با عباراتی چون «*اظهر است*» یا «*اقوی است*» متمایز می‌سازد. در برخی موارد این دیدگاه برتر همان

نظر شیعه یا بسیار نزدیک به آن می‌باشد. مثلاً در باب طلاق در این مساله که آیا حکم سه بار طلاق لفظی حکم سه طلاق است یا یک طلاق، بعد از ذکر اقوال مختلف، در رد انعقاد سه طلاق چنین می‌گوید: «ولی با این سختگیری جواز شرعی و رفق و مدارایی که در آیه (قُلْ اللَّهُ يُخَدِّثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا) آمده است، باطل می‌شود» (ر.ک: ابن رشد، *بدایه المجتهد* ۲/۶۱). و این تأیید نظر شیعه است.

مورد دیگر در باب مهر المتهه است. جمهور فقها اعتقاد دارند که اگر مهریه‌ای مشخص نباشد، به طریق اولی متعه هم واجب نخواهد بود. اما ابن رشد در رد نظر آنها می‌گوید: «این خیالی بیش نیست، چون وقتی مهریه‌ای نباشد، متعه جایگزین آن می‌شود» (ر.ک: ابن رشد، *بدایه المجتهد* ۲/۹۷). این سخن نیز تأیید دیدگاه شیعه در باب مهر المتهه است.

ابن رشد در باب میراث در مساله اجتماع زوج و زوجه با پدر و مادر، در تأیید سخن آنان که برای زوج و زوجه سهم بالاتر، برای مادر ثلث و برای پدر بقیه مال اقرار داده‌اند می‌گوید: «این قول اظهر است» (ابن رشد، *بدایه المجتهد* ۲/۳۳۸). و این نیز همان نظر شیعه می‌باشد.

با بررسی این موارد که به عنوان نمونه ذکر شد. آزاداندیشی ابن رشد و عدم وابستگی او نسبت به عقیده‌ای خاص آشکار می‌شود؛ چرا که او با سنجش میان آرای مختلف، نظر برتر را بدون توجه به تعصبات مذهبی برگزیده و تأیید کرده است.

روش ابن رشد در تدوین کتاب *بدایه المجتهد* و نهایتاً *المقتصد*

این کتاب در دو جلد به ترتیب ابواب مختلف فقه تنظیم شده است. شیوه کارمؤلف آن است که در ابتدای هر بحث تصویری کلی از فروع و بخشهای آن مبحث به خواننده نشان داده و سپس گام به گام به توضیح تفصیلی آن فروع می‌پردازد. هریک از کتب فقهی مثلاً «کتاب الفرائض» را ابتدا به چند قسم و سپس هر قسم را به چند نوع و هر نوع را به چند باب تقسیم‌بندی کرده و درباره آنها بحث می‌کند؛ بدین صورت که نظرات فقهای مختلف را مطرح می‌نماید. فقهای از صحابه نظیر: علی (ع)، ابن عباس، ابن مسعود، عمر، ابوبکر و... و همچنین فقهای متأخر چون ابوحنیفه، شافعی، مالک و احمد بن حنبل بزرگان مذاهب چهارگانه و نیز افرادی چون سفیان ثوری، لیث، ابو یوسف، ابن ابی لیلی، داوود ظاهری، اورزاعی، ابن ماجشون و...

این کتاب به صورت خلاصه و موجز نوشته شده است. ذکر دلیل اقوال و بررسی آن و گاه اظهار نظر منطقی در مورد آنها و توجه به فروعات مباحث و تبویب و فصل‌بندی جالب کتاب، آن را

به صورت یک دوره کامل فقه کلاسیک و منظم در آورده است. منبع ارجاع ابن رشد در ترجیح یک نظر سنت و به ویژه سنتهای پیامبر است که با گنجانده شدن در کتب حدیثی بزرگ اعتبار می‌یابند. ابن رشد در پرداختن به این سنتها رویکردی نزدیک به شافعیه دارد اما او سنت قطعی را بر محتمل ترجیح داده و بدین سان راه خود را از شافعیه جدا می‌کند. از سوی دیگر با گرایش مالکیه به سیره مدنی (سیره اهل مدینه) مخالف است چرا که آن را یک اجماع محدود می‌داند که چیزی را ثابت نمی‌کند. به نظر ابن رشد اجماع فقط هنگامی معتبر است که با یک نص یا تفسیر خردپذیر تایید شود. او کاربرد استدلال تمثیلی (قیاس) را به دلیل وجود نمونه‌های مشخص نامحدود می‌پذیرد. وی در حالیکه در برابر نص گرای ظاهریه که آن را عاجز کننده می‌داند نگرشی عبوس دارد ولی بر تقلید کورکورانه پیشینیان مالکی خود دل می‌سوزاند و از تلاش شخصی (اجتهاد) به ویژه در مسائلی که احاطه بر آن از طریق قاعده دشوار است؛ طرفداری می‌کند.

سازش انجام شده در بدایه با این که در آن زمان نفوذش از حوزه عمل یک قاضی، فراتر نمی‌رفت ولی به هر حال گامی در جهت تکامل حقوق اسلامی است. از یک سو بر گرایش امروری بر پرهیز از چسبیدن به یک مکتب و به حساب آوردن دیگر آموزه‌های مطرح شده تاکید دارد و از سوی دیگر عقل‌گرایی نهفته در آن، راه را برای آیندگان همواره کرده است. (ر.ک: اوروی دینیک، ابن رشد / ۸۱)

در اینجا مناسب است که به برخی از ابواب این کتاب اشاره کنیم:

کتاب الطهاره، کتاب الوضوء، کتاب الغسل، کتاب التیمم، کتاب الطهاره من النجس، کتاب الصلوه، کتاب الاحکام المبت، کتاب الزکاة، کتاب الصیام و... که تا پایان کتاب الاطعمه و الاشربه جلد اول این کتاب را تشکیل می‌دهد و جلد دوم با کتاب النکاح آغاز شده و پس از بررسی کتاب الطلاق، کتاب الایلاء، کتاب اللعان، بیوع و... با کتاب الاقضیه پایان می‌یابد.

شرح کتاب بدایه المجتهد و نهایه المقتصد

تنها شرح مدونی که بر این کتاب نوشته شده، «السبیل المرشد الی بدایه المجتهد و نهایه المقتصد» است که به قلم دکتر عبدالله العبادی در سال ۱۴۱۲ ق. به رشته تحریر در آمده است. روش وی بدین صورت است که متن منقح و صحیحی از بدایه را در متن آورده و در پاورقی به مناسبت، سلسله سند و منبع روایات و شماره آیات را مشخص کرده است.

مساله مهم در شرح بدایه این است که مولف با مراجعه به کتب مشهور هر یک از بزرگان مذاهب، جایی که بیان ابن رشد را دشوار یافته، غوامض و مشکلات آنرا با زبانی ساده توضیح داده است. دیگر آن که در بسیاری از موارد که ابن رشد از آوردن نظر احمد بن حنبل غفلت کرده، شارح نظر وی را نیز در پاورقی افزوده است. در برخی موارد نیز نسبت به ترجیح نظری توسط ابن رشد انتقاد کرده و دلایلی برخلاف آن ارائه نموده است.

به هر حال کتاب *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد* کتابی مفید و مختصر در زمینه فقه تطبیقی مذاهب چهارگانه و برخی دیگر از مذاهب همچون ظاهریه است که مولف در عین پرداختن به نظرات سایر مذاهب استقلال و بی طرفی خویش را حفظ کرده است و این یکی از ویژگیهای منحصر به فرد این کتاب است که آنرا از سایر کتب فقه تطبیقی اهل سنت متمایز ساخته است. وی با آن که بنا به اقوال مختلف مالکی مذهب بوده، اما در ارائه نظرات فقهی مذهبش هیچگونه تعصبی به کار نبرده بلکه با واقع‌نگری و آزاداندیشی به بررسی آرا پرداخته و با دلایل منطقی نظر درست‌تر را، هر چند مخالف نظر مالک، بیان کرده است.

دکتر عبدالله العبادی شارح بدایه در مقدمه اثرش درباره کتاب *بدایه المجتهد* چنین نگاشته است: «این کتاب این مؤلف حتماً فریاد من نوعه، سوا آن‌ها که در موضوع، امفی اختصاره مع فوائد الجمه، لا یتغنی عنه لأدیماً ولا حدیثاً، فعلى صغر حجمه فانه حقاً بدایه المجتهد و نهایه المقتصد.»

منابع

- ابن رشد، محمد بن احمد (۵۲۰ - ۵۹۵ ق). *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*، مصر، مکتبه التجاریه الکبری، بی تا.
- اوروی، دمنیک، ابن رشد، ترجمه فریدون فاطمی، چاپ اول، بی جا، نشر مرکز، ۱۳۷۵.
- ریتان، ارنست، ابن رشد و الرشديه، نقله الى العربیه عادل زعیر، مصر، دارالاحیاء الکتب العربیه، ۱۹۵۷ م.
- زرکلی، فخرالدین (۱۳۹۶). *الاعلام وقاموس تراجم لاشهر الرجال والنساء من العرب والمعتبرین والمستشرقین*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۲ م.
- عبادی، عبدالله، شرح *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*، دارالسلام، للطباعه والنشر والتوزیع، ۱۴۱۶.
- عقاد، عباس محمود، *نوابغ الفکر العربی* (۱) ابن رشد، مصر، دارالمعارف، بی تا.
- قمیر، یوحنا، *فلسفه العرب* (۶)، ابن رشد، بیروت، بی تا، ۱۹۸۶ م.
- کاراده، نو، *ابن رشد دایره المعارف الاسلامی*، جمعی از نویسندگان، بی جا، بی تا، ۱۹۳۳.